

بسم الله الرحمن الرحيم

« حلقااا »

ااا ۷۲

اسااا: اااا الاسلام والمسلمين علم الاءااا
آموزشيار: آقاا مهاااا

مقدمه :

بحث ما بر سر این است که آیا تکلیف به فعل غیر مقدور تعلّق می گیرد؟ به بیان دیگر آیا تکلیف به غیر مقدور، به طور کلی محال است و یا آنکه به حسب موارد، متفاوت است؟ در درس گذشته با مراتب تکلیف آشنا شدیم . اکنون نوبت به آن رسیده تا استحاله و امکان تکلیف به غیر مقدور را نسبت به هر مرتبه به صورت جداگانه، بررسی کنیم. هم چنین در این درس ، فرق بین قدرت عقلی و شرعی نیز بیان می شود .

متن درس

كما ان مرتبتى الملاك و الشوق غير آبيتين عن دخالة القدرة كشرط فيهما - بحيث لا ملاك فى الفعل و لا شوق إلى صدوره من العاجز - و عن عدم دخالتها كذلك - بحيث يكون الفعل واجداً للمصلحة، و محطاً للشوق حتى من العاجز - و قد تسمى القدرة فى الحالة الأولى بالقدرة الشرعية، و فى الحالة الثانية بالقدرة العقلية . و اما فى مرتبة جعل الحكم فإذا لوحظت هذه المرتبة بصورة مجردة، لم نجد مانعاً عقلياً عن شمولها للعاجز لأنها اعتبار للوجوب و الاعتبار سهل المؤونة و قد يوجه إلى المكلف على الإطلاق لإبراز ان المبادئ ثابتة فى حق الجميع و لكن قد نفترض جعل الحكم بداعى البعث، و التحريك المولوى و من الواضح هنا ان التحريك المولوى، انما هو بسبب الإدانة و حكم العقل بالمسئولية و مع العجز لا إدانة، و لا مسئولية كما تقدم فيستحيل التحريك المولوى، و بهذا يمتنع جعل الحكم بداعى التحريك المولوى.

مراتب تکلیف

مراتب تکلیف عبارتند از : ۱- مرتبه ملاک ۲- مرتبه شوق ۳- مرتبه جعل ۴ - مرتبه ادانه

اشترای قدرت در مرتبه ادانه

ادانه، مرحله استحقاق عقاب و تنجز است. شکی نیست که مرتبه ادانه مشروط به قدرت می‌باشد و تکلیفی که بدان است حتماً باید مقدور باشد.

اشترای قدرت در مرتبه ملاک

سؤال: آیا مرتبه ملاک نیز مشروط به قدرت می‌شود؟

نکته: مرتبه اراده، تابع مرحله ملاک است؛ چون اراده، معلول تکوینی ملاک است؛ وقتی مولا ملاک را در چیزی مشاهده کرد، طبیعتاً برای او شوق حاصل می‌شود، در نتیجه برای او اراده حاصل می‌شود که این فعل را از مکلف بخواهد.

جواب: اشترای به قدرت در مرحله ملاک، نسبی است و بستگی به نوع ملاک دارد.

الف - بعضی از ملاک‌ها دارای مصلحت اند، حتی اگر عاجز آن را به صورت اتفاقی محقق کند؛ لذا در این قسم، ملاک نسبت به عجز، مطلق بوده و مشروط به قدرت نیست.

نکته: در بعضی موارد ممکن است که فعلی اصلاً اتفاق نیفتد؛ با این حال امر، محال نیست؛ بنابراین مولا می‌تواند آن فعل را اراده کند و از بندگانش بخواهد.

ب- بعضی از ملاک‌ها به گونه‌ای است که تنها در صورتی محقق می‌شود که از فرد قادر سر بزنند.

در این قسم، فعل نسبت به فرد عاجز مصلحت ندارد؛ لذا مولا به انجام این فعل توسط عاجز شوق ندارد و در نتیجه، مشروط به قدرت است.

مثال قسم اول:

مولا بگوید تصدق بر مکلفین لازم است؛ در این فرض، اگر عاجز به صورت اتفاقی تصدق را انجام دهد، این فعل او مصلحت دارد.

مثال قسم دوم:

فرزند از جواب دادن به سؤالات پدر عاجز باشد، اگر تصادفاً جواب دهد برای پدر شوق حاصل نمی‌شود چون فاقد مصلحت است؛ چرا که مصلحت منوط به آن است که جواب دادن نشان دهنده توان علمی فرزند باشد.

نکته: مصلحت، همان ارزش و بهایی است که فعل در عالم خارج دارد.

نکته: گاهی به قدرت در قسم اول، «قدرت عقلیه» گفته می‌شود؛ کما اینکه بر قدرت در قسم دوم «قدرت شرعیه» اطلاق می‌گردد.

قدرت شرعیه :

اگر قدرت این نوع قدرت ، قدرت شرعیه می‌گویند.

قدرت عقلیه:

قدرتی که دخیل در مرتبه ملاک نیست، باعث ایجاد شوق در مولا نمی‌شود؛ اصطلاحاً به این قدرت ، قدرت عقلیه می‌گویند .

نتیجه گیری:

تعلق تکلیف به عاجز در مرحله ملاک ، بستگی به نوع ملاک دارد:

۱. برخی ملاک ها مشروط به قدرت نیست و از هر کس سر بزند دارای مصلحت است. در این قسم، تکلیف به غیر مقدور محال نیست.

۲. بعضی ملاک ها مشروط به قدرت است؛ یعنی اگر مکلف قدرت بر آن فعل داشته باشد ، مصلحت وجود دارد . در این قسم ، تعلق تکلیف به غیر مقدور محال است

SCO۱: ۱۳: ۳۴

اشترای قدرت در مرتبه جعل

در این مرتبه بحث ما این است که اگر فعل مقدور نبود ، جعل وجوب محال می‌شود یا این که جعل ، مشروط به قدرت نیست و حتی بر عاجز هم می‌توان چنین فعلی را واجب کرد؟

پاسخ به این سؤال را در ضمن دو مرحله بیان می‌کنیم:

الف - جعل فی نفسه بدون در نظر گرفتن داعی و انگیزه مولا؛

ب - جعل با در نظر گرفتن داعی و انگیزه مولا.

مرحله اوّل: جعل بدون در نظر گرفتن انگیزه مولا

مدّعأ: اگر مرتبه جعل را فی نفسه در نظر بگیریم ، مشروط به قدرت نیست.

دلیل: جعل، اعتبار محض است و اعتبار، سهل المؤونه است؛ لذا مشروط به هیچ شرطی، از جمله قدرت نیست.

مثال مرحله اول: همان طور که پدر می تواند برای کودک هر نامی انتخاب کند حتی می تواند زشت ترین اسم ها و حتی اسم در مرتبه ملاک نقش داشته باشد، باعث اتصاف فعل به مصلحت و شوق می شود؛ اصطلاحاً به حیوانات را انتخاب کند، جعل نیز می تواند به همه چیز تعلق بگیرد.

Sco ۲ : ۱۶: ۱۴

مرحله دوم: جعل با در نظر گرفتن انگیزه مولا

جعل هیچ گاه بدون مصلحت و انگیزه نیست؛ لذا باید انگیزه را در نظر گرفت، اگر انگیزه مشروط به قدرت باشد، جعل هم مشروط به قدرت می شود و اگر انگیزه مشروط به قدرت نباشد جعل هم مشروط به قدرت نیست.

انواع انگیزه:

الف- جعلی که به انگیزه ابراز و علم مکلف باشد تا صرفاً مبادی حکم را بیان کند. ← این جعل، مشروط به قدرت نیست؛ لذا مولا می تواند تصریح کند که این تکلیف حتی اگر از عاجز سر بزند، مصلحت دارد.
مثال: مولا می گوید: ای مکلف اگر می توانستی پرواز کنی، مصلحت های زیادی داشت، من به عنوان مولا، به این فعل شوق دارم.

ب- جعلی که به انگیزه بعث و تحرک مکلف برای انجام فعل باشد. ← این جعل، مشروط به قدرت است.
نکته: در جعل به انگیزه تحریک، چون مولا نمی تواند کاری را از مکلف بخواهد که او نمی تواند انجام دهد، لذا این جعل، مشروط به قدرت است.

نتیجه گیری:

جعل دو مرتبه دارد:

۱. بدون در نظر گرفتن داعی و انگیزه مولا؛ در این قسم، تکلیف عاجز محال نیست.

۲. جعل با در نظر گرفتن انگیزه که به دو قسم تقسیم می شود:

الف- انگیزه برای جعل، صرف علم و اطلاع مکلف باشد؛ در این صورت، تکلیف به غیر مقدور محال نیست.

ب - انگیزه، بعث و تحرک مکلف برای انجام دادن باشد؛ چون انجام دادن، مشروط به قدرت است، لذا این قسم، مشروط به قدرت است

Sco : ۲۷: ۱۴

چکیده

۱. مراتب تکلیف عبارتند از : ملاک، شوق، جعل و ادانه.
۲. در مرتبه ادانه ، شکی نیست که تعلق تکلیف، مشروط به قدرت است.
۳. تعلق تکلیف در مرتبه ملاک، تابع نوع ملاک است؛ ملاک‌هایی که حتی اگر از عاجز سر بزند دارای مصلحت‌اند مشروط به قدرت نیست؛ اما ملاک‌هایی که تنها در صورتی که از قادر سر بزند دارای مصلحت‌اند مشروط به قدرت است .
۴. قدرت شرعیه به قدرتی گفته می شود که در مرتبه ملاک نقش داشته باشد و باعث اتصاف فعل به شوق و مصلحت شود.
۵. قدرت عقلیه به قدرتی گفته می شود که در مرتبه ملاک نقش نداشته باشد و باعث اتصاف فعل به شوق و مصلحت نشود.
۶. اگر جعل را بدون در نظر گرفتن انگیزه مولا در نظر بگیریم، مشروط به قدرت نیست.
۷. جعل با در نظر گرفتن انگیزه به دو قسمت تقسیم می شود :
- الف - انگیزه ، صرف علم مکلف به ملاک باشد؛ در این صورت، مشروط به قدرت نیست.
- ب - انگیزه ، تحریک مکلف برای اتیان فعل باشد؛ در این صورت، مشروط به قدرت است.